

جزئیت و بلند خواندن

بسمله

○ جعفر سبحانی

چکیده

نویسنده در آغاز به ذکر اختلاف مذاهب چهارگانه اهل سنت در مورد قرائت بسمله در نماز پرداخته است. آنگاه به اثبات دیدگاه فقه امامیه در مورد جزء بودن بسمله در سوره حمد و در آغاز همه سوره‌ها - غیر از سوره توبه - و قرائت جهری آن در نماز که موافق نظر برخی از فقهای بزرگ اهل سنت است می‌پردازد. مهم‌ترین دلیل او در اثبات این سه ادعا، روایات فراوانی است که از اهل سنت نقل می‌کند. او در پایان هر بخش از روایات اهل سنت، گزیده‌ای از روایات امامان شیعه (ع) را برای تکمیل بحث خود ذکر می‌نماید. در نهایت بعد از ذکر روایاتی از اهل سنت که مورد استناد کسانی است که قرائت بسمله یا جهر به آن را در نماز جایز نمی‌دانند به نقد و بررسی آنها می‌پردازد.

کلید واژگان: بسم الله الرحمن الرحيم، بسمله، جهر، اخفات، قرائت، نماز، سوره حمد، فقه اهل سنت، فقه مقارن.

*

مقدمه

بسمله در لغت و اصطلاح، گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» است. وقتی گفته شود: «بَسْمَلٌ بِسْمَلَةٌ»، منظور این است که نوشت یا گفت: بسم الله الرحمن الرحيم یا وقتی گفته شود: أَكْثَرُ بِسْمَلَةٍ، یعنی عبارت بسم الله الرحمن الرحيم را زیاد بگو.^۱

بسمله یکی از نشانه‌های مسلمانان است؛ آنان هر کاری را با بسم الله الرحمن الرحيم آغاز می‌کنند. این عبارت، نشانه توحید و سبب گریز و نفرت مشرکان است. خداوند می‌فرماید:

و إِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ
نُفُورًا؛^۲

و چون به مردم کافر گفته شود که بیاید خدای رحمن را سجده کنید، گویند: خدای رحمن کیست؟ آیا ما به آنچه تو امر می‌کنی، سجده کنیم؟ و دعوت به خدای یکتا بر نفرت و گریزشان بیفزاید.

در عصر جاهلیت، شعار مشرکان، عبارت «باسمک اللهم» بود و آنها با این عبارت سخنانشان را آغاز می‌کردند. در جریان صلح حدیبیه، وقتی قرار شد که قرارداد صلحی نوشته شود، پیامبر (ص) به علی (ع) گفت: بنویس «بسم الله الرحمن الرحيم»، علی (ع) هم نوشت. سهیل، نماینده قریش، گفت: ما این عبارت را نمی‌شناسیم و به جای آن بنویس: باسمک اللهم.^۳

بنابراین بسمله، مرز میان اسلام و شرك است و با این عبارت، مؤمن از کافر باز شناخته می‌شود و هیچ مسلمانی در سفر و حضرش از آن جدا نمی‌شود.

۱. لسان العرب، و المصباح المنیر، ماده بسمله.
۲. سوره فرقان، آیه ۶۰.
۳. سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۳۱۷.

به شهادت مصحف‌های مختلف در طی قرون، بسمله یکی از آیه‌های قرآن است و بدون هیچ تفاوتی، همچون دیگر آیات قرآن در ابتدای هر سوره‌ای - جز سوره توبه - نوشته شده است. این در حالی است که کاتبان قرآن کریم، بر عدم مخلوط شدن عبارت‌های غیر قرآنی با قرآن اصرار می‌ورزیدند و همه آنها اتفاق داشتند که عبارات غیر قرآنی تنها با نشانه آشکار در قرآن نوشته شود. از این رو، آنها اسامی سوره‌ها، شماره آیات، نشانه جزءها، ربع‌ها و سجده‌ها را در قرآن به گونه‌ای می‌نوشتند که معلوم باشد از قرآن نیست. به همین لحاظ، آنها بالاتفاق بسمله را در آغاز هر سوره مانند دیگر آیات قرآن بدون فرقی بین آیات قبل و بعد، می‌نوشتند و هیچ قرآن خطی را از دوران صحابه تاکنون، جز بر این شیوه نمی‌توان یافت و این اتفاق عملی است بر اینکه بسمله جزئی از قرآن است.

با وجود این، پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) و به احتمال قوی در زمان حکومت معاویه بن ابی سفیان یا اندکی قبل از آن، در این زمینه اختلاف پدید آمده که شاید یکی از انگیزه‌های این اختلاف، مخالفت با سیره امام علی (ع) در مورد «بسم الله الرحمن الرحيم» باشد؛ زیرا همه راویان اتفاق نظر دارند که وی این عبارت را در نماز، بلند قرائت می‌کرد. فخر رازی می‌گوید:

به تواتر ثابت شده است که علی بن ابی طالب بسمله را در نماز بلند قرائت می‌کرد و می‌گفت: یا من ذکره شرفاً للذاکرین؛ ای کسی که ذکر او برای ذاکران، شرف است.^۴

روایات بسیاری از پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) و اصحاب او رسیده است که بسمله جزء سوره فاتحه و دیگر سوره‌هاست و باید این آیه در نمازهای جهری، بلند قرائت شود و این حقیقت در طی چند مبحث، روشن خواهد شد.

۴. التفسیر الکبیر، ج ۱، ص ۲۰۴.

۱. فضیلت بسمله در روایات

در مورد فضیلت بسمله احادیث بسیاری نقل شده که تعداد اندکی از آنها را در اینجا می آوریم:

یک: رسول خدا(ص) فرمود:

فُضِّلْتُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَقَالَ (ص): لَمْ تَنْزَلْ عَلَيَّ أَحَدٍ غَيْرِي سِوَى مَا حَكَاهُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مِنْ كِتَابِ سَلِيمَانَ؛^۵

من با «بسم الله الرحمن الرحيم» بر دیگر انبیا برتری داده شده ام. همچنین آن حضرت فرمود: بر کسی جز من، بسم الله الرحمن الرحيم نازل نشده است، غیر از آنچه خداوند از نامه سلیمان حکایت کرده است.

دو: امام باقر(ع) فرمود:

أَكْرَمَ آيَةٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ، بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛^۶

گرامی ترین آیه در کتاب خدا، بسم الله الرحمن الرحيم است.

سه: شیخ طوسی از عبدالله بن یحیی کاهلی از امام صادق(ع) از پدرش

روایت کرده که فرمود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَقْرَبَ إِلَيَّ اسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ مِنْ نَظَرِ الْعَيْنِ إِلَى

بِيَاضِهَا؛^۷

بسم الله الرحمن الرحيم به اسم اعظم، از سیاهی چشم به سفیدی آن،

نزدیک تر است.

۵. کنز العمال، ج ۱، ص ۶۵۵، شماره ۲۴۹۲؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۱، ص ۱۷؛ بحار الانوار،

ج ۸۹، ص ۲۲۷، شماره ۴.

۶. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۹، شماره ۴.

۷. تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۲۸۹، ح ۱۱۵۹.

۲. گفتار فقها در جزئیت بسمله

قرطبی دیدگاه‌های امامان مذاهب چهارگانه اهل سنت را به روشنی بیان کرده و گفته است:

فقها در باره قرائت بسم الله الرحمن الرحيم در آغاز قرائت نماز اختلاف نظر دارند:

یک: مالک، قرائت آن را در نمازهای واجب، چه به صورت بلند و چه آهسته، هم در ابتدای سوره فاتحه و هم در ابتدای دیگر سوره‌های قرآن، منع کرده است، اما قرائت آن را در نمازهای نافله جایز دانسته است.

دو: ابوحنیفه، ثوری و احمد بن حنبل گفته‌اند: می‌توان آن را آهسته در ابتدای سوره فاتحه در هر رکعت، قرائت کرد.

سه: شافعی گفته است: می‌توان آن را در نمازهای جهری به صورت بلند و در نمازهای اخفاتی به صورت آهسته قرائت کرد. بسمله از نظر شافعی آیه‌ای از سوره فاتحة الكتاب است. احمد بن حنبل و ابو ثور و عبيد هم آن را آیه‌ای از سوره فاتحة الكتاب می‌دانند.

در اینکه آیا بسم الله الرحمن الرحيم آیه‌ای از آیات همه سوره‌هاست، یا فقط آیه‌ای از آیات سوره نمل و فاتحة الكتاب است، شافعی دو دیدگاه متفاوت دارد و هر دو قول از او نقل شده است و سبب این اختلاف دیدگاه او، به دو چیز برمی‌گردد: یکی، به جهت اختلاف روایات در این زمینه و دوم، به سبب اختلاف فقها در اینکه آیا بسم الله الرحمن الرحيم آیه‌ای از فاتحة

الكتاب است یا نه؟^۸

شیخ طوسی گفته است:

بسم الله الرحمن الرحيم، آیه‌ای از تمامی سوره‌های قرآن و آیه اول سوره

حمد است.

۸. بداية المجتهد، ج ۱، ص ۱۲۴.

شافعی گفته است :

در اینکه «بسم الله الرحمن الرحيم» آیه اول سوره حمد است، اختلافی نیست، اما اینکه آیه ای از تمامی سوره های قرآن باشد، دو قول وجود دارد: یک قول این است که یکی از آیات تمامی سوره هاست و قول دیگر این است که بخشی از آیه در هر سوره ای است و به ضمیمه عبارت بعد از آن، یک آیه کامل می شود.

احمد، اسحاق، ابو ثور، ابو عبیده، عطا، زهری و عبدالله بن مبارک گفته اند: بسمله آیه ای از اول هر سوره است. وی حتی گفته است: کسی که بسم الله الرحمن الرحيم را از هر سوره نخواند، ۱۱۳ آیه را نخوانده است. ابوحنیفه، مالک، اوزاعی و داود گفته اند: این عبارت نه آیه ای از سوره حمد است و نه آیه ای از باقی سوره ها. مالک، اوزاعی و داود گفته اند:

قرائت کردن بسمله در نماز مکروه است، بلکه نمازگزار باید به جز ماه مبارک رمضان پس از تکبیر، قرائتش را با حمد شروع کند و مستحب است که برای فاصله شدن بین دو سوره، این عبارت بین آنها تبرکاً قرائت شود، و نباید در اول سوره حمد آورده شود.^۹

حاصل نظریات فقها این است که مالک به طور مطلق بسمله را جزء سوره نمی داند، اما حنفیه و حنابله آن را جزئی از سوره حمد می دانند، ولی آن را آهسته قرائت می کنند. شافعیه بسمله را جزء سوره حمد می دانند و آن را در نمازهای جهری بلند قرائت می کنند و در نمازهای اخفاتی، آهسته. اما اینکه بسمله جزء دیگر سوره ها هم هست یا نه، در این زمینه از شافعی دو قول وجود دارد. اما در میان فقهای امامیه، تنها یک قول وجود دارد و آن اینکه بسمله جزء همه

۹. الخلاف، ج ۱، ص ۳۲۸، مسئله ۸۲ از کتاب الصلاة.

سوره‌های قرآن است و بلند قرائت کردن آن در نمازهای جهری، واجب و در نمازهای اخفاتی، مستحب است.

در میان اقوال اهل سنت، ضعیف‌ترین قول، سخن مالک است که می‌گوید بسمله آیه‌ای از قرآن نیست و تنها در سوره نمل بخشی از آیه است و قرائت آن در نمازهای واجب، چه برای امام و چه برای غیر امام، چه قبل از سوره حمد و چه بعد از آن مکروه است.

این قول کجا و سخن امام صادق(ع) کجا که با حالت توییح، به کسی که بسمله را در نماز قرائت نمی‌کرد و معتقد بود که بلند قرائت کردن آن بدعت است، فرمود:

مالهم عمدوا إلى أعظم آية في كتاب الله عز وجل فرعموا أنها بدعة إذا اظهروها وهي بسم الله الرحمن الرحيم؛^{۱۰}
آنها را چه شده است که قصد بزرگ‌ترین آیه از قرآن را کرده‌اند و پنداشته‌اند که بلند تلاوت کردن آن بدعت است، و آن آیه، بسم الله الرحمن الرحيم است؟

برای به دست آوردن حق در مسئله باید در چند زمینه بحث کنیم:

یک: آیا بسمله جزء سوره حمد است یا نه؟

دو: بر فرض که جزء سوره فاتحه باشد، آیا بایستی در نمازهای جهری آن را بلند تلاوت کرد؟

سه: آیا بسمله جزء تمامی سوره‌های قرآن است؟

در هر زمینه، ادله اقوال مختلف را بررسی و نظر قطعی خود را در این زمینه بیان خواهیم کرد.

۱۰. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۱، ح ۱۶.

۳. بسمله جزئی از سوره حمد

بسمله به چند دلیل جزء سوره حمد است:

دلیل اول: شافعی با سند خود روایت کرده است: معاویه به مدینه آمد و در آنجا نماز خواند و در نمازش بسم الله الرحمن الرحيم را قرائت نکرد و به هنگام رفتن به رکوع و سجده، تکبیر نگفت. پس از سلام نماز، مهاجرین و انصار بر او فریاد زدند که: ای معاویه، از نماز دزدیدی! بسم الله الرحمن الرحيم کجاست؟ تکبیر به هنگام رکوع و سجده کجاست؟ معاویه سپس نمازش را با قرائت بسمله و تکبیر اعاده کرد.

شافعی گفته است:

معاویه پادشاهی نیرومند و پر شوکت بود و اگر بلند قرائت کردن بسمله نزد مهاجرین و انصار، امری ثابت نبود، نمی توانستند به معاویه اعتراض کنند.^{۱۱} به نظر ما اگر تلاوت بسم الله الرحمن الرحيم جزء سوره حمد نبود، مهاجران و انصار بر ترك آن در نماز و نیز بر بلند قرائت نکردن آن، اعتراض نمی کردند. این خبر علاوه بر اینکه دلالت بر جزئیت آن دارد، دلالت بر لزوم بلند قرائت کردن آن در نماز نیز دارد. بنابراین می توان به آن در هر دو مورد استدلال کرد.

دلیل دوم: شافعی از مسلم، از ابن جریج، از ابن ابی ملیکه، از ام سلمه روایت کرده است:

رسول خدا(ص) سوره حمد را قرائت کرد و بسم الله الرحمن الرحيم را یک آیه، الحمد لله رب العالمين را یک آیه، الرحمن الرحيم را یک آیه، مالک يوم الدين را یک آیه، إياك نعبد وإياك نستعين را یک آیه، اهدنا الصراط المستقيم را

۱۱. مسند شافعی، ص ۱۳. فخر رازی نیز این روایت را به طور کامل در تفسیر کبیرش نقل کرده است. ر. ک: تفسیر فخر رازی، ج ۱، ص ۲۰۴؛ همچنین ر. ک: المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۲۳۳.

یک آیه، صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم ولا الضالکین را یک

آیه به شمار آورد. ۱۲

این روایت به صراحت دلالت دارد که بسمله جزء سوره است.

دلیل سوم: حاکم از ام سلمه روایت کرده است:

رسول خدا(ص) در نماز، بسم الله الرحمن الرحیم را قرائت کرد و آن را

یک آیه به شمار آورد. الحمد لله رب العالمین را دومین آیه، الرحمن الرحیم

را سومین آیه، مالک يوم الدين را چهارمین آیه به شمار آورد و همچنین إياک

نعبد و إياک نستعین را قرائت کرد و پنج انگشت دست خود را جمع کرد. ۱۳

دلیل چهارم: حاکم از ام سلمه روایت کرده است:

پیامبر(ص) بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین را در نماز

قرائت و آنها را کلمه به کلمه ادا می کرد.

حاکم گفته است: این حدیث به دلیل اینکه روایانش در صحیح مسلم و

بخاری وجود دارند، صحیح است؛ هر چند خود روایت را مسلم و بخاری

نقل نکرده اند. ذہبی هم در تلخیصش آن را تأیید کرده است. ۱۴

دلیل پنجم: حاکم از نعیم مجمر روایت کرده است:

پشت سر ابوهریره نماز می خواندم و شنیدم که او بسم الله الرحمن الرحیم

آن گاه سوره حمد را تلاوت کرد تا رسید به ولا الضالکین و گفت: آمین، و

مردم گفتند: آمین و به هنگام سجده می گفت: الله اکبر و وقتی سلام داد،

گفت: قسم به آنکه جانم به دست اوست، نماز من شبیه ترین نمازها به نماز

پیامبر است.

۱۲. المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۲۳۲.

۱۳. همان.

۱۴. همان.

حاکم گفته است: این حدیث به دلیل اینکه راویانش در صحیح مسلم و بخاری وجود دارند، صحیح است؛ هر چند خود روایت را مسلم و بخاری نقل نکرده اند. ذهبی هم در تلخیصش این حدیث را تأیید کرده است. ۱۵

دلیل ششم: حاکم از قتاده روایت کرده است:

از انس بن مالک سؤال شد که قرائت رسول الله چگونه بود؟ در پاسخ گفت: با مدّ می خواند. آن گاه بسم الله الرحمن الرحيم را قرائت کرد و الرحيم را با مدّ خواند. ۱۶

ذهبی این حدیث را در تلخیصش، تأیید کرده است.

دلیل هفتم: حاکم از ابن جریج، از پدرش از سعید بن جبیر، از ابن عباس در مورد این سخن خدا: «ولقد آتيناك سبعاً من المثاني»، روایت کرده است:

فاتحة الكتاب عبارت است از: بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين، و سوره را خواند. ابن جریج گفت: به پدرم گفتم: آیا سعید از ابن عباس خبری برای نقل کرد که: بسم الله الرحمن الرحيم آیه است؟ گفت: آری.

حاکم گفته است: این حدیث، صحیح است، ولی مسلم و بخاری متن آن را نقل نکرده اند و تمام روایات مربوط به این موضوع در کتاب صلات است. ۱۷

دلیل هشتم: ثعلبی با سند خود از ابوهریره نقل کرده است:

بایامبر (ص) در مسجد بودم که مردی وارد شد تا نماز بخواند. نمازش را شروع کرد و گفت: اعوذ بالله من الشيطان الرجيم. سپس گفت: الحمد لله

۱۵. همان.

۱۶. همان، ج ۲، ص ۲۳۳.

۱۷. المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۵۵۱، تفسیر سوره فاتحه.

ربّ العالمین . پیامبر(ص) شنید و فرمود: ای مرد، نماز خود را شکستی .
 آیا نمی دانی که بسم الله الرحمن الرحیم جزء سوره حمد است؟ پس کسی
 که آن را ترك کند، آیه ای را ترك کرده و کسی که آیه ای را ترك کند، نماز
 خود را تباه کرده است. ۱۸

دلیل نهم: ثعلبی از علی (ع) روایت کرده است:

هرگاه علی در نماز سوره ای را می خواند، آن را با بسم الله الرحمن الرحیم
 آغاز می کرد و می گفت: کسی که قرائت آن را ترك کند، آن را ناقص کرده
 است و همواره می فرمود: بسم الله الرحمن الرحیم تمام کننده سبع مثانی
 است. ۱۹

دلیل دهم: ثعلبی از طلحة بن عبیدالله روایت کرده است:

قال رسول الله(ص): من ترك «بسم الله الرحمن الرحيم» فقد ترك آية من
 كتاب الله، وقد نزل عليّ فيما عدّ من أمّ الكتاب «بسم الله الرحمن
 الرحيم»؛ ۲۰

رسول خدا(ص) فرمود: کسی که بسم الله الرحمن الرحیم را ترك کند،
 آیه ای از کتاب خدا را ترك کرده است و از جمله آیاتی که از امّ الكتاب بر من
 نازل شده، بسم الله الرحمن الرحیم است.

دلیل یازدهم: دارقطنی در روایتی که آن را صحیح دانسته و همچنین بیهقی در
 سننش، از ابوهریره نقل کرده اند:

قال رسول الله(ص): إذا قرأتم «الحمد»، فاقروا «بسم الله الرحمن الرحيم»
 أنّها أمّ القرآن و أمّ الكتاب، و السبع المثاني و «بسم الله الرحمن الرحيم»

۱۸ . الدر المنثور، ج ۱، ص ۲۱ .

۱۹ . كنز العمال، ج ۲، ص ۲۹۷، شماره ۴۰۴۹ .

۲۰ . همان، ج ۱، ص ۵۵۶، شماره ۲۴۹۴ .

إحدى آياتها؛ ۲۱

رسول خدا(ص) فرمود: هرگاه سوره حمد را خواندید، بسم الله الرحمن الرحيم را قرائت کنید که این سوره، امّ القرآن و امّ الكتاب و سبع مثانی است و بسم الله الرحمن الرحيم یکی از آیات آن است.

دلیل دوازدهم: طبرانی در المعجم الاوسط و دارقطنی و بیهقی از نافع روایت کرده اند:

عمر هرگاه نماز می خواند، آن را با بسم الله الرحمن الرحيم در سوره امّ القرآن و سوره ای که پس از آن می خواند، شروع می کرد و یاد آور می شد که او آن را از رسول خدا(ص) شنیده است. ۲۲

دلیل سیزدهم: ابو داود، ترمذی، دارقطنی و بیهقی از ابن عباس روایت کرده اند که: «رسول خدا نمازش را با بسم الله الرحمن الرحيم آغاز می کرد». ۲۳
دلیل چهاردهم: دارقطنی و بیهقی از ابوهریره نقل کرده اند:

هرگاه پیامبر نماز می خواند - در حال امامت جماعت -، نمازش را با بسم الله الرحمن الرحيم شروع می کرد. ابوهریره گفت: بسم الله الرحمن الرحيم آیه ای از کتاب خداست. اگر خواستید فاتحة القرآن را بخوانید، بدانید که بسمله آیه هفتم است. ۲۴

دلیل پانزدهم: بیهقی در شعب الایمان از ابن عمر روایت کرده است:
او بسم الله الرحمن الرحيم را در نماز قرائت می کرد. آن گاه که سوره تمام

۲۱. الدر المنثور، ج ۱، ص ۱۱؛ السنن الکبری، ج ۲، ص ۴۵.

۲۲. المعجم الاوسط، ج ۱، ص ۲۵۷؛ السنن الکبری، ج ۲، ص ۴۸؛ مجمع الزوائد، ج ۲، ص ۱۰۹.

۲۳. سنن ترمذی، ج ۱، ص ۱۵۵، ح ۲۴۵؛ سنن دارقطنی، ج ۱، ص ۳۰۳؛ السنن الکبری، ج ۲، ص ۴۷.

۲۴. السنن الکبری، ج ۲، ص ۴۷؛ سنن دارقطنی، ج ۱، ص ۳۰۵.

می شد، می گفت: این آیه در مصحف نوشته نشده، مگر برای آنکه خواننده

شود. ۲۵

سبع مثانی، همان فاتحة الكتاب است

روایات بسیاری از علی(ع)، ابن مسعود، دیگر صحابه و بسیاری از تابعان روایت شده که مراد از سبع مثانی در آیه: « ولقد آتيناك سبعاً من المثاني و القرآن العظيم»^{۲۶}، همان فاتحة الكتاب است. از طرف دیگر، آیات سورة فاتحة الكتاب، در صورتی به عدد هفت می رسد که «بسم الله الرحمن الرحيم» آیه ای از آن باشد. اینک در هر دو مقام به بحث می پردازیم.

روایاتی که نشان می دهد مراد از سبع مثانی، سورة فاتحة الكتاب است، بر دو قسم است:

۱. روایاتی که سبع مثانی را به فاتحة الكتاب تفسیر می کند ولی تصریح نمی کند که بسمله جزئی از فاتحة الكتاب است؛

۲. روایاتی که سبع مثانی را به فاتحة الكتاب تفسیر می کند و تصریح دارد که بسمله جزئی از آن است.

روایات دسته اول: اینک برای پرهیز از زیاده گویی، فقط به برخی از این روایات اشاره می کنیم:

۱. طبری از عبد خیر از علی(ع) روایت کرده است:

السبع المثاني فاتحة الكتاب؛^{۲۷}

سبع مثانی همان فاتحة الكتاب است.

۲۵. شعب الایمان، ج ۲، ص ۴۳۹-۴۴۰، ح ۲۳۳۶.

۲۶. سورة حجر، آیه ۸۷.

۲۷. تفسیر طبری، ج ۱۴، ص ۳۷.

۲. طبری از ابن سیرین روایت کرده است: «از ابن مسعود در باره سبع مثنائی سؤال شد، گفت: فاتحة الكتاب است». ۲۸
۳. طبری از حسن بصری در مورد آیه: «ولقد آتيناك سبعاً من المثنائي» روایت کرده: «مراد از سبع مثنائی، فاتحة الكتاب است».
- همچنین طبری از سعید بن جبیر از ابن عباس روایت کرده است: «مراد از سبع مثنائی، فاتحة الكتاب است».
۴. طبری از ابی فاخته در مورد آیه «ولقد آتيناك سبعاً من المثنائي و القرآن العظيم» روایت کرده که گفت: «مراد از سبع مثنائی، فاتحة الكتاب است». ۲۹
۵. طبری از ابی العالیه در مورد آیه: «ولقد آتيناك سبعاً من المثنائي» روایت کرده است:
- فاتحة الكتاب دارای هفت آیه است. به ربیع گفتم: آنها می گویند که مراد از هفت، هفت سوره طولانی تر قرآن است. گفت: این آیه وقتی نازل شد که هنوز چیزی از آن سوره های طولانی قرآن نازل نشده بود.
۶. طبری از ابی العالیه روایت کرده که گفت:
- مراد از سبع مثنائی، فاتحة الكتاب است و به این دلیل فاتحة الكتاب، مثنائی نامیده شده که در قرائت قرآن این سوره دو بار خوانده می شود. به ابی العالیه گفته شد: ضحاک بن مزاحم می گوید: مراد از سبع مثنائی، هفت سوره بلند قرآن است. گفت: این سوره به عنوان سبع مثنائی هنگامی نازل شد که هنوز چیزی از هفت سوره بلند قرآن نازل نشده بود.
۷. طبری از عبدالله بن عبید بن عمیر نقل کرده است: «مراد از سبع مثنائی، فاتحة الكتاب است».

۲۸. همان.

۲۹. همان، ص ۳۸.

۸. طبری، از ابن جریر، از ابن ابی ملیکه، در مورد آیه «ولقد آتيناك سبعاً من المثاني» روایت کرده است:

مراد از سبع مثانی، فاتحة الكتاب است و فاتحة الكتاب برای پیامبر شما آمده و برای هیچ پیامبری قبل از او نیامده است.

۹. طبری از ابو هریره از ابی نقل کرده است:

قال رسول الله (ص): **إلا أعلمك سورة ما أنزل في التوراة ولا في الإنجيل ولا في الزبور ولا في القرآن مثلها، قلت: بلى. قال: إنني لأرجو أن لا تخرج من ذلك الباب حتى تعلمها، فقام رسول الله (ص) وقمت معه فجعل يحدثني ويده في يدي، فجعلت أبتاطا كراهية أن يخرج قبل أن يخبرني بها، فلما قرب من الباب، قلت: يا رسول الله السورة التي وعدتني، قال: كيف تقرأ إذا افتتحت الصلاة؟ قال: فقرأ فاتحة الكتاب، قال: هي هي، وهي السبع المثاني التي قال الله تعالى: «ولقد آتيناك سبعاً من المثاني والقرآن العظيم»، الذي أعطيت؛^{۳۰}**

رسول خدا فرمود: آیا به تو سوره ای را تعلیم بدهم که نه در تورات مثل آن نازل شده، نه در انجیل، نه در زبور و نه در قرآن؟ گفتم: آری. فرمود: از تو می خواهم که از این در خارج نشوی تا اینکه آن را فراگیری. سپس رسول خدا (ص) ایستاد و من هم با او ایستادم و در حالی که دستش در دست من بود، با من سخن می گفت و من از اینکه مبادا قبل از آموختن آن سوره به من خارج شود، آهسته قدم می زدم. وقتی به در نزدیک شد، عرض کردم: ای رسول خدا، سوره ای که به من وعده دادی؟ فرمود: وقتی نماز را شروع می کنی، چگونه قرائت می کنی؟ راوی می گوید: فاتحة الكتاب را خواندم. پیامبر فرمود: این همان است و آن سبع مثانی است که خداوند در

۳۰. تفسیر طبری، ج ۱۴، ص ۴۰.

مورد آن فرموده است: ولقد آتيناك سبعا من المثاني و القرآن العظيم؛ همان
سوره ای که به من عطا شده است.

حاکم این روایت را در مستدرک نقل کرده و گفته که این حدیث به دلیل آنکه
راویانش در صحیح مسلم وجود دارند، صحیح است، هر چند مسلم و بخاری آن
را نقل نکرده اند. ۳۱

۱۰. طبری از ابوهریره، از رسول خدا نقل کرده است:

هي ام القرآن و هي فاتحة الكتاب و هي السبع المثاني؛ ۳۲

آن سوره، ام القرآن و فاتحة الكتاب و سبع مثانی است.

۱۱. طبری، از ابوهریره، از پیامبر (ص) در مورد فاتحة الكتاب روایت کرده

است:

هي فاتحة الكتاب و هي السبع المثاني و القرآن العظيم؛ ۳۳

آن، فاتحة الكتاب و سبع مثانی و قرآن عظیم است.

روایات دسته دوم: این روایات، سبع مثانی را به فاتحة الكتاب تفسیر کرده و
بسمله را اولین آیه آن به شمار آورده است:

۱۲. ابن جریر، ابی منذر، طبرانی، ابن مردویه، حاکم - که آن را صحیح

دانسته - و بیهقی در سننش از ابن عباس نقل کرده اند:

از او در مورد سبع مثانی سؤال شد، گفت: مراد از سبع مثانی، فاتحة الكتاب

است که خداوند آن را برای امت محمد استثنا کرده و آن را با تعبیر ام الكتاب،

بالا برده و آن را برای این امت ذخیره کرد تا اینکه آن را آشکار ساخت و قبل از

۳۱. المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۲۵۸.

۳۲. تفسیر طبری، ج ۱۴، ص ۴۱.

۳۳. همان.

این امت به هیچ کس عطا نکرده بود. از او پرسیدند که آیه هفتم کدام است؟

در جواب گفت: بسم الله الرحمن الرحيم. ۳۴

۱۳. طبری از سعید بن جبیر در مورد آیه «ولقد آتيناك سبعاً من المثاني» سؤال

کرد، گفت: فاتحة الكتاب است. آن گاه شش آیه آن را تلاوت کرد و سپس گفت: بسم الله الرحمن الرحيم، آیه هفتم است.

سعید می گوید: ابن عباس این سوره را همان گونه که بر تو خواند، بر من نیز

خواند. سپس گفت: آیه هفتم، بسم الله الرحمن الرحيم است. ۳۵

۱۴. طبری از سعید بن جبیر روایت کرده است:

ابن عباس نماز را آغاز کرد، سپس فاتحة الكتاب را خواند، آن گاه گفت: آیا

می دانی که معنای آیه: ولقد آتيناك سبعاً من المثاني، چیست؟

اینکه در روایت فوق آمده است: «نماز را آغاز کرد، سپس فاتحة الكتاب را

خواند»، نشان نمی دهد که بسمله جزء سوره نیست؛ زیرا از آنجا که بسمله در آغاز

هر سوره ای قرار دارد، با عبارت «استفتح = آغاز کرد»، به بسمله اشاره کرده، آن

گاه با خواندن فاتحة الكتاب، به دیگر آیات این سوره که از آیات سوره های دیگر

متمایز است، اشاره می کند.

با توجه به همین مطلب، حدیث بعدی نیز تفسیر می شود.

۱۵. طبری از ابو سعید بن معلی نقل کرده است:

إن النبي دعاه و هو يصلي فصلّي ثم أتاه، فقال: مامنك أن تجيبني؟ قال:

إنّي كنت أصلي. قال: ألم يقل الله: «يا أيها الذين آمنوا استجبوا لله

وللرسول إذا دعاكم لما يحييكم؟»^{۳۶} قال: ثم قال رسول الله (ص):

۳۴. الدرالمثور، ج ۵، ص ۹۴.

۳۵. تفسیر طبری، ج ۱۴، ص ۳۸.

۳۶. سوره انفال، آیه ۲۴.

لَاعْلَمَنَّكَ اعْظَمُ سُورَةِ الْقُرْآنِ، فَكَانَ بَيْنَهَا أَوْ نَسِي، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ
الَّذِي قُلْتَ. قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، هِيَ السَّبْعُ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنُ
الْعَظِيمُ الَّذِي أَوْ تَيْتَهُ؛^{۳۷}

پیامبر او را که در حال نماز خواندن بود، فراخواند و او به نماز خواندن ادامه
داد، سپس نزد پیامبر (ص) رفت. پیامبر (ص) فرمود: چه باعث شد که
دعوت مرا اجابت نکنی؟ گفتم: داشتم نماز می خواندم. پیامبر فرمود: آیا
خداوند نمی فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا و پیامبر را اجابت
کنید، آن گاه که شما را به آنچه مایه حیات شماست، فرا می خواند؟ آن گاه
پیامبر (ص) فرمود: بزرگترین سوره در قرآن را به تو تعلیم می دهم. پس
گویا بیان فرمود یا فراموش کرد. گفتم: ای رسول خدا (ص)، قرار بود
چیزی بفرماید. فرمود: الحمد لله رب العالمين، آن سبع مثنای و قرآن
عظیم است که خداوند به من عطا کرده است.

۱۶. دارقطنی و بیهقی از ابوهریره روایت کرده اند:

پیامبر (ص) هرگاه نماز می خواند، در حالی که به امامت ایستاده بود، آن را با
بسم الله الرحمن الرحيم آغاز می کرد. ابوهریره گفت: این، آیه ای از قرآن
است. اگر خواستید فاتحه کتاب را بخوانید، بسمله آیه هفتم است.^{۳۸}

۱۷. دارقطنی و بیهقی در سنن به سند صحیح از عبد خیر نقل کرده اند:

از علی (رضی الله عنه) از سبع مثنای سؤال شد، فرمود: الحمد لله ربّ
العالمین است. به او گفته شد: این سوره شش آیه است؟ فرمود: بسم الله
الرحمن الرحيم، یک آیه است.^{۳۹}

۳۷. تفسیر طبری، ج ۱۴، ص ۴۱.

۳۸. السنن الکبری، ج ۲، ص ۴۷؛ سنن الدار القطنی، ج ۱، ص ۳۰۵.

۳۹. سنن الدار القطنی، ج ۱، ص ۳۱۱؛ السنن الکبری، ج ۲، ص ۴۵.

۱۸. ابن انباری در المصاحف از امّ سلمه نقل کرده است:

رسول خدا(ص) سوره حمد را چنین قرائت فرمود: بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين، الرحمن الرحيم، مالك يوم الدين، إياك نعبد وإياك نستعين، اهدنا الصراط المستقيم، صراط الذين أنعمت عليهم غير المغضوب عليهم ولا الضالّين و فرمود: این سوره هفت آیه است.^{۴۰}

فاتحة الكتاب، با بسمله هفت آیه است

اگر بسمله را آیه ای به شمار آوریم، فاتحة الكتاب دارای هفت آیه است. از این رو، ملاحظه می کنیم که مصحف های معروف، بسمله را آیه ای از این سوره شمرده اند؛ هر چند در سوره های دیگر در شمار آیات نیامده است. بر این اساس، فاتحة الكتاب هفت آیه دارد به این صورت:

بسم الله الرحمن الرحيم(۱) الحمد لله رب العالمين(۲) الرحمن الرحيم(۳)
مالك يوم الدين(۴) إياك نعبد وإياك نستعين(۵) اهدنا الصراط المستقيم(۶)
صراط الذين أنعمت عليهم غير المغضوب عليهم ولا الضالّين(۷).

ملاحظه می شود که هر آیه، جمله ای کامل است. اما کسانی که بسمله را آیه ای از آیات هفت گانه این سوره حساب نکرده اند، عبارت «صراط الذين أنعمت عليهم» را یک آیه و عبارت «غير المغضوب عليهم» را آیه ای دیگر دانسته اند. معنای این کار آن است که مبدل منه را یک آیه و بدل را آیه ای دیگر قرار داده اند و این، چیزی نیست که ذوق سلیم آن را روا دارد؛ چنان که اگر کسی عبارت: «إياك نعبد» را یک آیه و «إياك نستعين» را آیه ای دیگر قرار دهد، بیراهه رفته است؛ زیرا این دو جمله دارای ساختاری واحد است که بر توحید در عبادت و استعانت از خدا تصریح می کند؛ بنابراین فاصله انداختن بین آنها معنا ندارد.

۴۰. الدر المنثور، ج ۱، ص ۱۲.

روایاتی که نقل کردیم، برخی از روایات اهل سنت بود که دلالت داشت بر اینکه بسمله جزء سوره فاتحه است.

دو دلیل دیگر نیز وجود دارند که نشان می دهند بسمله جزء فاتحة الكتاب است:

۱. روایاتی که نشان می دهند پیامبر (ص) و اصحاب او بسمله را بلند قرائت می کردند و به زودی آنها را نقل خواهیم کرد.
 ۲. روایاتی که دلالت دارند بسمله جزئی از همه سوره هاست.
- برای رعایت ترتیب بحث، روایاتی را که بر بلند قرائت کردن بسمله دلالت دارند، از روایاتی که بسمله را جزء سوره فاتحه می دانند، جدا کردیم؛ چنان که روایات جزئیت بسمله در هر سوره را نیز جداگانه می آوریم.

روایات امامان اهل بیت (ع)

آنچه از امامان اهل بیت (ع) در این زمینه روایت شده، بسیار است که نمونه ای از آنها را ذکر می کنیم:

۱. شیخ طوسی در تهذیب از محمد بن مسلم از امام صادق (ع) روایت کرده است:

سألت أبا عبد الله عن السبع المثاني و القرآن العظيم أهى الفاتحة؟ قال: نعم، قلت: بسم الله الرحمن الرحيم من السبع؟ قال: نعم، هي أفضلهن؛^{٤١}
 از امام صادق (ع) در مورد «السبع المثاني و القرآن العظيم» سؤال کردم که آیا مراد از آن سوره فاتحه است؟ فرمود: آری. پرسیدم: آیا بسم الله الرحمن الرحيم جزء هفت آیه است؟ فرمود: آری، برترین آنها است.

۲. شیخ طوسی در تهذیب، از عبدالله بن یحیی کاهلی، از امام صادق (ع) از
۴۱. تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۲۸۹، ح ۱۱۵۷.

پدرش (ع) روایت کرده است :

بسم الله الرحمن الرحيم أقرب إلى اسم الله الأعظم من ناظر العين إلى
بياضها؛^{۴۲}

بسم الله الرحمن الرحيم به اسم اعظم خداوند، نزدیک تر از سیاهی چشم به
سفیدی آن است .

۳. کلینی از معاویه بن عمار نقل کرده است :

قلت لأبي عبد الله (ع) : إذا قمت للصلاة اقرأ بسم الله الرحمن الرحيم في
فاتحة الكتاب؟ قال : نعم؛^{۴۳}

به امام صادق (ع) عرض کردم : آیا وقتی نماز می خوانم، بسم الله الرحمن
الرحيم را در فاتحة الكتاب قرائت کنم؟ فرمود: آری .

۴. شيخ صدوق در عيون الاخبار از امام حسن عسکری (ع) نقل کرده است :

قيل لأبي عبد الله (ع) أخبرنا عن بسم الله الرحمن الرحيم هي من فاتحة
الكتاب؟ قال : نعم، كان رسول الله يقرأها ويعدّها آية ويقول فاتحة الكتاب
هي السبع المثاني؛^{۴۴}

به امیرمؤمنان (ع) گفته شد : آیا بسم الله الرحمن الرحيم از فاتحة الكتاب
است؟ فرمود: آری، رسول خدا (ص) آن را قرائت می کرد و آیه ای به شمار
می آورد و می فرمود: فاتحة الكتاب، همان سبع مثانی است .

اینها نمونه ای از روایات اهل بیت (ع) در زمینه جزئیت بسمله در فاتحة الكتاب
بود و روایت مشهور نبوی هم این مطلب را تأیید می کند که می فرماید :

كل أمر ذي بال لا يبدأ بسم الله أقطع و كل أمر ذي بال لا يبدأ فيه بسم الله فهو

۴۲. همان، ح ۱۱۵۹ .

۴۳. الكافي، ج ۳، ص ۳۱۲، ح ۱ .

۴۴. عيون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۱۱ .

ابترا او اجذم؛ ۴۵

هر کار مهمی که با بسم الله آغاز نشود، بی سرانجام و نا تمام است. آشکار است که قرآن برترین کتابی است که خداوند به پیامبران و رسولانش وحی کرده است و هر سوره ای از آن دارای اهمیت و عظمتی است که خداوند با آن با بشر تحدی کرده و کسی نتوانسته مثل آن را بیاورد. بنابراین آیا ممکن است قرآن بی سرانجام و ناتمام باشد؟

نماز، مایه رستگاری و بهترین عمل است؛ همچنان که همواره بر مناره ها و منابر ندا داده می شود و هر مسلمانی آن را می شناسد و بعد از ایمان به خدا و کتب او و رسولانش، هیچ چیزی تا روز قیامت، همسنگ آن نیست. با این حساب، آیا ممکن است خداوند چنین عملی را بی سرانجام و ناتمام آغاز کرده باشد؟ هرگز هیچ نیکوکار یا نابکاری، چنین سخنی نمی گوید. اما پیشوایان خوشنامی چون، مالک و اوزاعی و ابوحنیفه از این لوازم غفلت کرده اند. هر مجتهدی در استنباط احکام شرعی اگر خطا کند، معذور است و اگر به حقیقت برسد، مأجور است. ۴۶

لزوم بلند خواندن بسمله

در بحث گذشته ثابت شد که بسمله جزئی از فاتحة الكتاب است، بر این اساس، این سوره بدون قرائت بسمله تمام نیست. اما حکم بلند خواندن این آیه مانند حکم دیگر آیات این سوره است؛ یعنی اگر نماز از نمازهای جهری باشد، و دلیلی بر جواز آهسته خواندن آن وجود نداشته باشد، بلند خواندن آن واجب است. علاوه بر این، روایات بسیاری بر لزوم بلند قرائت کردن آن وجود دارد، از جمله:

۱. حاکم از ابوهریره روایت کرده است: «رسول خدا بسم الله الرحمن

۴۵. التفسیر الکبیر، فخر رازی، ج ۱، ص ۱۹۸.

۴۶. مسائل فقهیه، ص ۲۸ و ۲۹.

الرحيم را بلند قرائت می کرد» ۴۷.

۲. حاکم از انس بن مالک روایت کرده است:

شنیدم که رسول خدا بسم الله الرحمن الرحيم را بلند قرائت می کرد. سپس ادامه می دهد: همه راویان این حدیث ثقه اند. ذهبی نیز در تلخیصش، این مطلب را تأیید کرده است. ۴۸.

۳. حاکم در مستدرک از محمد بن ابی السری عسقلانی نقل کرده است:

نمازهای صبح و مغرب بی شماری را پشت سر معتمر بن سلیمان خواندم و دیدم که بسم الله الرحمن الرحيم را قبل از فاتحة الكتاب و بعد از آن، بلند قرائت می کرد و شنیدم که معتمر می گفت: از اقتدای به نماز پدرم، کوتاهی نکردم، و پدرم گفت: از اقتدای به نماز انس بن مالک کوتاهی نکردم، و انس بن مالک گفت: از اقتدای به نماز رسول خدا کوتاهی نکردم. راویان این حدیث همگی ثقه اند و ذهبی هم در تلخیصش این روایت را تأیید کرده است. ۴۹.

۴. حاکم از حمید الطویل از انس روایت کرده است:

پشت سر پیامبر (ص)، ابو بکر، عمر، عثمان و علی (ع) نماز خواندم و همگی بسم الله الرحمن الرحيم را بلند قرائت می کردند. سپس حاکم می گوید: در این زمینه از عثمان، علی، طلحة بن عبیدالله، جابر بن عبدالله، عبد الله بن عمر، حکم بن عمیر ثمالی، نعمان بن بشیر، سمرة بن جندب، بریده اسلمی و عایشه بنت ابوبکر روایاتی وجود دارد که همه نزد من هستند، ولی من برای اختصار آنها را نیاوردم و تنها برخی را که

۴۷. المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۲۳۲.

۴۸. همان.

۴۹. همان.

در باره بحث ما بود، آوردم. همچنین در باب ذکر کسانی که بسم الله الرحمن الرحيم را بلند قرائت کرده اند، اعم از تابعان و صحابه و نسل بعد از آنها، روایاتی نقل کرده ام. ۵۰

چون که سخن اخیر حاکم نیشابوری مبنی بر اینکه پیشوایان امت بر بلند قرائت کردن بسمله در نمازها اتفاق نظر دارند، با مذهب امام ذهبی مخالف است، خشم او را برانگیخته و ادعا کرده که نسبت جهر به این افراد کذب محض است و آن گاه سوگند یاد کرده که ادعای خودش درست است؛ در حالی که پیامبر (ص) فرموده است: «البیئة علی المدعی و الیمین علی من أنکر»؛ یعنی مدعی باید بینه بیاورد و منکر باید سوگند یاد کند. بنابراین کسی که ادعای کذب بودن نسبت جهر به این امامان می دهد، بایستی بینه بیاورد، نه اینکه قسم یاد کند؛ زیرا در غیر این صورت، هر کس حدیثی را یافت که مخالف امیال خود و مذهبی است که مطابق آن پرورش یافته است، به آسانی می تواند بر دروغ بودن آن حدیث قسم یاد کند.

۵. امام شافعی در مستندش روایت کرده که معاویه به مدینه آمد و در آنجا نماز خواند و بسم الله الرحمن الرحيم را در نمازش نخواند، مهاجران و انصار به این عمل او اعتراض کرده و گفتند: ای معاویه، نماز را از ما دزدیدی. بسم الله الرحمن الرحيم کجاست؟

شافعی در مورد این قسمت از روایت چنین اظهار نظر کرده که اگر جهر به بسمله نزد همه صحابه، از مهاجران و انصار، امری ثابت نبود، آنها نمی توانستند به معاویه به خاطر ترك آن اعتراض کنند.

۶. این روایت را حاکم به گونه ای دیگر نقل کرده است.
انس بن مالک گفت: معاویه در مدینه نمازی خواند و در آن قرائت را بلند خواند و بسم الله الرحمن الرحيم را در ابتدای سوره حمد خواند، اما آن را در سوره بعد،
۵۰. المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۲۳۲.

قرائت نکرد تا اینکه نماز تمام شد. پس از پایان نماز افرادی از مهاجران و انصار که این قرائت را شنیده بودند، از گوشه و کنار ندا دادند که آیا از نماز دزدیدی یا فراموش کردی؟ پس از این اعتراض، وقتی معاویه نماز خواند، بسم الله الرحمن الرحيم را برای سوره بعد از حمد تلاوت کرد و به هنگام رفتن به سجده، تکبیر گفت.

حاکم در مورد این روایت گفته است: «این حدیث، به دلیل اینکه راویان آن در صحیح مسلم آمده است، صحیح است»، و به وجود راویانی چون عبدالمجید بن عبدالعزیز و سایر راویان آن که در عدالتشان اتفاق نظر وجود دارد، بر صحت این روایت حجت آورده است. ذهبی هم در تلخیصش این روایت را تأیید کرده است.

۷. فخر رازی در تفسیرش گفته است:

بیهقی در سننش از عمر بن خطاب و ابن عباس و ابن عمر و ابن زبیر، جهر به بسمله را روایت کرده است...، اما اینکه علی بن ابی طالب بسم الله الرحمن الرحيم را بلند قرائت می کرده، امری است که به تواتر ثابت است و هر کسی که در دینش به علی بن ابی طالب اقتدا کند، هدایت یافته است. دلیلش، این سخن پیامبر (ص) است که: اللهم ادر الحق مع علي حيث دار؛^{۵۱} خدایا، حق را با علی بگردان هر جا که او می گردد.

۸. بزار و دارقطنی و بیهقی در «شعب الایمان» از ابی الطفیل روایت کرده اند: از علی بن ابی طالب و عمار شنیدم که می گفتند: ان رسول الله (ص) کان یجهر فی المكتوبات بـ «بسم الله الرحمن الرحيم» فی فاتحة الكتاب؛ رسول خدا در نمازهای واجب، بسم الله الرحمن الرحيم را در سوره حمد، بلند می خواند.^{۵۲}

۵۱. التفسیر الکبیر، ج ۱، ص ۲۰۴.

۵۲. سنن دارقطنی، ج ۱، ص ۳۰۲؛ شعب الایمان، ج ۲، ص ۴۳۶، ح ۲۳۲۲، باب تعظیم القرآن؛ الدر المنثور، ج ۱، ص ۲۱ و ۲۲.

۹. دارقطنی از عایشه نقل کرده است: رسول خدا، بسم الله الرحمن الرحيم را بلند قرائت می کرد. ۵۳
۱۰. دارقطنی از نعمان بن بشیر روایت کرده که رسول خدا(ص) فرمود: **أَمْنِي جِبْرِئِيلُ (ع) عِنْدَ الْكَعْبَةِ فَجَهْرٌ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛** ۵۴
جبرئیل نزد کعبه به امامت ایستاد، آن گاه بسم الله الرحمن الرحيم را بلند قرائت کرد.
۱۱. دارقطنی از علی بن ابی طالب روایت کرده است:
كان النبي (ص) يجهر بـ«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» في السورتين جميعاً؛ ۵۵
پیامبر(ص) در هر دو سوره، بسم الله الرحمن الرحيم را بلند قرائت می کرد.
۱۲. دارقطنی، حاکم و بیهقی از ابوهریره روایت کرده اند:
رسول خدا بسم الله الرحمن الرحيم را در نماز بلند قرائت می کرد. [بیهقی می افزاید:] اما مردم این عمل را ترك کردند. ۵۶
۱۳. دارقطنی از عبدالله بن عمر روایت کرده است:
پشت سر پیامبر(ص) و ابوبکر و عمر نماز خوانده ام و آنها بسم الله الرحمن الرحيم را بلند قرائت می کردند. ۵۷
۱۴. ثعلبی از علی بن زید بن جدعان روایت کرده است:
عبادله؛ یعنی عبدالله بن عباس، عبدالله عمر و عبدالله بن زبیر، قرائت سوره را با بسم الله الرحمن الرحيم شروع و آن را بلند قرائت می کردند. ۵۸
-
۵۳. الدرالمثور، ج ۱، ص ۲۳.
۵۴. سنن دارقطنی، ج ۱، ص ۳۰۹؛ الدرالمثور، ج ۱، ص ۲۲.
۵۵. سنن دارقطنی، ج ۱، ص ۳۰۲؛ الدرالمثور، ج ۱، ص ۲۲.
۵۶. مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۲۰۸؛ السنن الكبرى، ج ۲، ص ۴۷؛ سنن دارقطنی، ج ۱، ص ۳۰۶.
۵۷. سنن دارقطنی، ج ۱، ص ۳۰۵؛ الدرالمثور، ج ۱، ص ۲۲.
۵۸. الدرالمثور، ج ۱، ص ۲۱.

۱۵ . بیهقی از زهری روایت کرده است :

از سنت های نماز ، قرائت بسم الله الرحمن الرحيم است و اولین کسی که بسم الله الرحمن الرحيم را آهسته خواند ، عمرو بن سعید بن عاص در مدینه بود . او مردی خجول بود .^{۵۹}

۱۶ . دارقطنی از ابوهریره روایت کرده است :

قال رسول الله (ص) : علمني جبرئيل الصلاة فقام فكبر لنا ثم قرأ بسم الله الرحمن الرحيم فيما يجهر في كل صلاة؛^{۶۰}
 رسول خدا (ص) فرمود : جبرئیل نماز را به من آموخت و برای این کار به پا خاست و تکبیر گفت ، سپس در هر رکعت از نمازهای جهری ، بسم الله الرحمن الرحيم را قرائت کرد .

۱۷ . دارقطنی از حکم بن عمیر ، که از اصحاب بدر بود ، روایت کرده است :

پشت سر پیامبر (ص) نماز خواندم و او در نماز و نماز شب و نماز صبح و نماز جمعه بسم الله الرحمن الرحيم را بلند قرائت کرد .^{۶۱}

فخر رازی بر لزوم جهر به بسمله در نمازهای جهری ، به همان دلیلی که در ابتدای بحث اشاره کردیم ، استدلال کرده و گفته است که حکم جزء سوره ، مثل کل سوره است و جایز نیست که بین جزء و کل ، مگر با دلیلی قاطع ، تبعیض قائل شویم .

عبارت فخر رازی چنین است :

ثابت کردیم که بسمله آیه ای از فاتحة الكتاب است و بر این اساس می گوئیم : استقراء نشان می دهد که یک سوره ، یا تمام آیاتش باید آهسته و

۵۹ . همان .

۶۰ . سنن دارقطنی ، ج ۱ ، ص ۳۰۵ ؛ الدر المنثور ، ج ۱ ، ص ۲۰ و ۲۱ .

۶۱ . سنن دارقطنی ، ج ۱ ، ص ۳۰۸ ؛ الدر المنثور ، ج ۱ ، ص ۲۲ و ۲۳ .

یا تمام آیاتش باید بلند خوانده شود. اما اینکه برخی آیات آن آهسته و برخی دیگر بلند قرائت شود، در هیچ یک از سوره‌های قرآن چنین نیست. بنابراین بلند قرائت کردن بسمله در نمازهای جهری، مشروع است. ۶۲

امامان اهل بیت (ع) و بلند خواندن بسمله

روایات بسیاری از امامان اهل بیت (ع) در مورد بلند قرائت کردن بسمله وارد شده است و سیره امام علی (ع) و امامان بعد از او، بلند قرائت کردن بسمله بوده است. اینگ گزیده‌ای از این روایات را در اینجا ذکر می‌کنیم:

۱۸. شیخ ابوالفتوح رازی در تفسیرش، از امام رضا (ع) از پدرش، از امام صادق (ع) روایت کرده است:

اجتمع آل محمد (ص) علی الجهر بیسم الله الرحمن الرحیم؛ ۶۳

آل محمد (ص) بر بلند قرائت کردن بسم الله الرحمن الرحیم، اتفاق دارند.

۱۹. علی بن ابراهیم در تفسیرش با سند خویش از ابن اذینه روایت کرده است:

قال ابو عبدالله (ع): بسم الله الرحمن الرحیم احق ما جهر به و هي الآية التي قال الله عزوجل: وإذا ذكرت ربك في القرآن وحده ولوا على ادبارهم نفورا؛ ۶۴

امام صادق (ع) فرمود: بسم الله الرحمن الرحیم سزاوارترین آیه به بلند

قرائت کردن است و این آیه، آیه‌ای است که خداوند عزوجل فرمود: و

چون تو در قرآن خدایت را به یگانگی یاد کنی، آنان روی گردانیده، و

گریزان می‌شوند.

۶۲. التفسیر الکبیر، ج ۱، ص ۲۰۴.

۶۳. روض الجنان، ج ۱، ص ۵۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۱۸۹، ح ۴۴۵۶.

۶۴. سوره اسراء، آیه ۴۶؛ تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۸.

۲۰. شیخ صدوق با سند خود از اعمش، از امام جعفر صادق (ع) روایت کرده

است:

الإجهار ببسم الله الرحمن الرحيم في الصلاة واجب؛^{۶۵}

بلند قرائت کردن بسم الله الرحمن الرحيم در نماز واجب است.

۲۱. شیخ صدوق با سند خود از فضل بن شاذان روایت کرده است که امام

رضا (ع) نامه ای به مأمون نوشت و در آن به بیان خلاصه ای از اسلام ناب پرداخت و در ضمن آن فرمود:

الإجهار ببسم الله الرحمن الرحيم في جميع الصلوات سنة؛^{۶۶}

بلند قرائت کردن بسم الله الرحمن الرحيم در همه نمازها مستحب است.

۲۲. از امام رضا (ع) نقل شده است که او بسم الله الرحمن الرحيم را در همه

نمازها در شب و روز، بلند قرائت می کرد.^{۶۷}

۲۳. کلینی از صفوان جمال روایت کرده است:

روزهایی را پشت سر امام صادق (ع) نماز خواندم و دیدم که در نمازهای

اخفاتی، بسم الله الرحمن الرحيم را در هر دو سوره بلند قرائت می کرد.^{۶۸}

۲۴. عیاشی از خالد مختار روایت کرده است: از امام جعفر صادق (ع)

شنیدم که فرمود:

مالهم عمدوا إلى أعظم آية في كتاب الله فزعموا أنها بدعة إذا أظهروا وهي

بسم الله الرحمن الرحيم؛^{۶۹}

۶۵. الخصال، ج ۲، ص ۶۰۴، ابواب صد و پس از آن، شماره ۹.

۶۶. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۲۲، باب ۳۵.

۶۷. همان، ص ۱۸۱، باب ۴۴، شماره ۵.

۶۸. کافی، ج ۳، ص ۳۱۵، ح ۲۰.

۶۹. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۱، ح ۱۶.

چه شده است آنها را که قصد بزرگ‌ترین آیه قرآن را کرده و پنداشته اند که بلند قرائت کردن آن بدعت است و آن آیه، بسم الله الرحمن الرحيم است.

۲۵. کلینی از یحیی بن ابی عمران همدانی روایت کرده است:

به امام جواد(ع) در نامه ای نوشتم: فدایت شوم نظر شما در مورد مردی که نمازش را فقط در فاتحة الكتاب با بسم الله الرحمن الرحيم آغاز می کند و در دیگر سوره ها آن را قرائت نمی کند، چیست؟ خود این مرد [یعنی هشام بن ابراهیم] عباسی گفته است این کار اشکال ندارد.

امام(ع) به خط خود نوشت: «یعیدها مرتین علی رغم انه - یعنی العباسی-»؛^{۷۰} او [یعنی عباسی] باید به رغم میلش، نمازش را دوبار تکرار کند.

شاید همین مقدار روایاتی که نقل شد، برای حق طلبان و حقیقت جویان کافی باشد.

۵. دلیل مخالفان جزئیت بسمله و یا بلند خواندن آن

در مطالب گذشته، حقیقت به روشن ترین صورت و با واضح ترین دلایل بیان شد که بسمله جزئی از فاتحة الكتاب است و باید این آیه در نمازهای جهری، بلند قرائت شود. اما روایاتی هم وجود دارند که نشان می دهند پیامبر(ص) یا این آیه را اساساً در نماز نخوانده و یا اگر خوانده آن را بلند قرائت نکرده است، ولی مضمون برخی از این روایات بهترین دلیل برکذب و جعلی بودن آنهاست. اینک این روایات را می آوریم:

۱. مسلم از شعبه روایت کرده است:

از قتاده شنیدم که از انس نقل می کرد: با رسول خدا(ص) و ابوبکر و عمر و عثمان نماز خواندم و از هیچ یک از آنها نشنیدم که بسم الله الرحمن الرحيم را در نماز قرائت کند.

۷۰. کافی، ج ۳، ص ۳۱۳، ح ۲.

۲. مسلم همین روایت را با سند دیگری نیز از انس بن مالک نقل کرده است: پشت سر پیامبر و ابوبکر و عمر و عثمان نماز خواندم، آنان نماز را با «الحمد لله رب العالمین» آغاز می کردند و بسم الله الرحمن الرحیم را نه در ابتدای قرائت، تلاوت و نه در انتهای آن ذکر نمی کردند.^{۷۱}

نقد دو روایت

این دو روایت با روایت حاکم از انس بن مالک که می گوید: از رسول خدا (ص) شنیدم که بسم الله الرحمن الرحیم را بلند قرائت کرد، معارض است و به دلیل این تعارض نمی توان به این دو روایت اعتماد کرد. سخن فخر رازی در پاسخ به این دو روایت - که عمده ترین دلیل قائلان به جواز ترك بسم الله الرحمن الرحیم در آغاز قرائت و یا آهسته خواندن آن است - کافی است. وی چنین گفته است:

شیخ ابو حامد اسفراینی گفته است: در این باب از انس بن مالک شش روایت نقل شده است؛ اما حنفیه از او سه روایت نقل کرده اند: اولین روایت، این سخن انس است که پشت سر رسول خدا (ص) و ابو بکر و عمر و عثمان نماز خواندم و آنها نماز را با الحمد لله رب العالمین آغاز کردند. روایت دوم، این سخن اوست که آنها نماز را با بسم الله الرحمن الرحیم آغاز نکردند.

روایت سوم، این سخن انس است که از هیچ یک از آنها نشنیدم که در نماز بسم الله الرحمن الرحیم را قرائت کند. این سه روایت، دیدگاه حنفیه را تقویت می کند. اما سه روایت دیگر وجود دارد که با دیدگاه آنها تناقض دارد:

۷۱. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۲، باب حجة من قال لایجهر بالبسملة.

یک روایت، همان روایتی است که پیش از این از انس روایت شده که گفته: وقتی مهاجرین و انصار دیدند معاویه بسم الله الرحمن الرحيم را در نماز قرائت نکرد، بر او اعتراض کردند. پیشتر گفتیم این اعتراض نشان می‌دهد که بلند خواندن این کلمات به مثابه امری متواتر بین آنها بوده است.

روایت دوم، روایت ابو قلابه از انس بن مالک است که رسول خدا(ص) و ابو بکر و عمر بسم الله الرحمن الرحيم را بلند قرائت می‌کردند.

روایت سوم این است: از انس در باره بلند یا آهسته خواندن بسم الله الرحمن الرحيم سؤال شد. وی در جواب گفت: این مسئله را نمی‌دانم.

این روایات نشان می‌دهند که در روایات انس در این مسئله، اشتباه و اضطراب فراوانی وجود دارد، پس متعارض با هم بوده و باید برای به دست آوردن حکم مسئله به دلایل دیگر مراجعه کرد.

شافعی گفته است: شاید مراد از این سخن انس که رسول خدا(ص) نماز را با الحمد لله رب العالمين آغاز می‌کرد، این باشد که وی در نماز، این سوره را بر دیگر سوره‌ها ترجیح می‌داد. بنابراین مراد از الحمد لله رب العالمين در سخن انس، کل این سوره است؛ یعنی این لفظ را اسمی برای این سوره قرار داده است.

همچنین در این روایات تهمت دیگری وجود دارد و آن اینکه علی(ع) در بلند خواندن بسمله، مبالغه می‌کرد و وقتی حکومت به دست بنی امیه رسید، آنها در منع از بلند خواندن بسمله مبالغه کردند و این کار برای از بین بردن آثار علی(ع) بود. بنابراین ممکن است انس از آنها ترسیده و به همین دلیل سخنانش در این زمینه مضطرب شده است. ما اگر در چیزی شک کنیم، در این نمی‌توانیم شک کنیم که هرگاه بین سخن انس و سخن علی بن ابی طالب که تا آخر عمر بر آن بود، تعارض واقع شود، تمسک به سخن علی(ع) سزاوارتر است و این سخن پاسخی قطعی در این مسأله است.

۳. ابن ابی شیبیه، ترمذی، نسائی، ابن ماجه و بیهقی از عبدالله بن مغفل روایت کرده اند:

من در نماز بسم الله الرحمن الرحيم را قرائت می کردم. پدرم شنید و گفت: فرزندانم، بدعت می گذاری؟ من پشت سر رسول خدا(ص)، ابوبکر، عمر و عثمان نماز خواندم و از هیچ کدام نشنیدم که بسم الله الرحمن الرحيم را بلند بخواند. ۷۳

فخر رازی در مورد این روایت چند پاسخ داده است:

پاسخ اول: راوی روایت شما، انس و ابن مغفل است، در حالی که راوی روایت ما، علی بن ابی طالب(ع) و ابن عباس و ابن عمر و ابوهریره است و اینان، هم علمشان بیشتر از انس و ابن مغفل بوده و هم از این دو به رسول خدا نزدیک تر بودند.

پاسخ دوم: بالبداهه معلوم است که پیامبر(ص) بزرگ ترها را بر کوچک ترها، و علما را بر غیر علما، و اشراف را بر اعراب بیابانی مقدم می داشت و بدون شک علی و ابن عباس و ابن عمر در علم و شرف و علو درجه از انس و ابن مغفل بالاتر بودند. به احتمال قوی، علی و ابن عباس و ابن عمر در نماز نزدیک رسول خدا(ص)، و انس و ابن مغفل دور از وی می ایستادند.

همچنین علی(ع) هیچ گاه در جهر به بسمله مبالغه نمی کرد؛ زیرا خداوند فرموده است: «ولا تجهر بصلاتک ولا تخافت بها»^{۷۴}.

همچنین انسان وقتی شروع به قرائت می کند، ابتدا با صدای ضعیف آغاز می کند و سپس کم کم صدایش قوی تر می شود. این اسباب ظهور در آن دارند که علی و ابن عباس و ابن عمر و ابوهریره بلند قرائت کردن بسمله را از رسول خدا شنیده و ابن مغفل و انس نشنیده باشند.

پاسخ سوم: شاید مراد از بلند قرائت نکردن بسمله در حدیث ابن مغفل، عدم

۷۳. سنن بیهقی، ج ۲، ص ۵۲۲؛ الدرالمثور، ج ۱، ص ۲۹.

۷۴. سوره اسراء، آیه ۱۱۰.

مبالغه در بلند کردن صدا باشد؛ چنان که خداوند فرموده است: «ولاتجهر بصلاتك ولا تخافت بها».

پاسخ چهارم: دلایل عقلی با ما موافق است و عمل علی بن ابی طالب (ع) هم باماست و کسی که علی (ع) را پیشوای دینش قرار دهد، در دینش و نفسش به دستاویز استوار چنگ زده است. ۷۵

۴. از ابو هریره روایت شده که پیامبر خدا (ص) فرمود:

يقول الله تعالى: قسمت الصلاة بيني وبين عبدي نصفين، فلما قال العبد: الحمد لله رب العالمين، يقول الله تعالى: حمدني عبدي، وإذا قال: الرحمن الرحيم، يقول الله تعالى: أثنى عليّ عبدي، وإذا قال: مالك يوم الدين، يقول الله تعالى: مجدني عبدي وإذا قال: إياك نعبد وإياك نستعين، يقول الله تعالى: هذا بيني وبين عبدي؛

خداوند تعالی می فرماید: نماز را بین خودم و بنده ام به دو نیم تقسیم کردم. پس وقتی بنده می گوید: الحمد لله رب العالمين، خداوند می فرماید: بنده ام مرا ستود، و هرگاه بگوید: الرحمن الرحيم، خداوند می فرماید، بنده ام مرا ستایش کرد، و هرگاه بگوید: مالك يوم الدين، خداوند می فرماید: بنده ام مرا تمجید کرد، و هرگاه بگوید: إياك نعبد وإياك نستعين، خداوند می فرماید: این میان من و بنده ام است.

به دو وجه به این روایت استدلال شده است:

الف) پیامبر (ص) از بسمله یادی نکرد؛ در صورتی که اگر آیه ای از فاتحة الكتاب بود، از آن هم نام می برد.

ب) خداوند می فرماید: نماز را بین خودم و بنده ام به دو نیم تقسیم کردم. مراد از نماز، سوره فاتحة الكتاب است و تقسیم کردن به دو نیم، زمانی صورت
۷۵. التفسير الكبير، ج ۱، ص ۲۰۶ و ۲۰۷.

می پذیرد که بسمله جزء این سوره نباشد؛ زیرا فاتحة الكتاب هفت آیه است. پس باید سه آیه و نصف از آن خدا باشد که از «الحمد لله» شروع می شود تا «إِيَّاكَ نَعْبُد» پایان می یابد و سه آیه و نصف آیه هم از آن بنده باشد که از «إِيَّاكَ نَعْبُد» شروع می شود و تا آخر سوره ادامه می یابد. اما اگر بسم الله الرحمن الرحيم را آیه ای از فاتحة الكتاب به شمار آوریم، چهار آیه و نصف آیه از آن خدا و دو آیه^{۷۶} و نصف هم از آن بنده می شود و در این صورت، تقسیم به دو نیمه، درست نمی شود.^{۷۷}

نقد روایت

استدلال به این روایت دو اشکال دارد:

اولاً، این روایت با روایت مرفوعه ابن عباس معارض است. در روایت ابن عباس آمده است که خدا فرمود:

نماز را بین خودم و بنده ام تقسیم کردم. وقتی بنده می گوید: بسم الله الرحمن الرحيم، خداوند می فرماید: بنده ام مرا خواند... تا آخر روایت.

در این روایت، بسمله هم آمده و ذکر از واژه «دو نیم» نیامده و در تقسیم هم تساوی عددی نهفته نشده است.

فخر رازی می گوید:

لفظ نصف همچنان که می تواند بر نصف در عدد آیات دلالت داشته باشد، می تواند بر نصف از نظر معنا هم دلالت کند. پیامبر (ص) فرمود: الفرائض نصف العلم؛ یعنی دانستن فرائض ارث، نصف علم است. از این جهت پیامبر (ص) این علم را نصف علم نامید که در این علم، از احوال مردگان بحث می شود و مرگ و زندگی هم دو قسم هستند.

۷۶. در منبع، دو آیه آمده است که سه آیه درست است.

۷۷. التفسیر الکبیر، ج ۱، ص ۲۰۱.

ثانیاً، ابوهریره از رسول خدا(ص) روایت کرده است که پیامبر(ص)، بسم الله الرحمن الرحيم را بلند قرائت می کرد و خود ابوهریره نیز این آیه را بلند قرائت می کرد و می گفت: نماز من از نماز هرکسی به نماز رسول خدا(ص) شبیه تر است. بیشتر حدیث ابوهریره در این زمینه بیان شد.^{۷۸}

۵. عایشه روایت کرده که پیامبر(ص) نمازش را با تکبیر، و قرائت آن را با الحمد لله رب العالمین آغاز می کرد و این نشان می دهد که بسمله جزئی از سوره فاتحه نیست.

نقد روایت

عایشه «الحمد لله رب العالمین» را اسم این سوره قرار داده است، مثل اینکه گفته شود: فلانی، «الحمد لله الذي خلق السماوات» را تلاوت کرد که مراد، تلاوت این سوره است. در بحث ما نیز چنین است.

به نظر ما تعبیر از مجموع یک سوره به آیه ای از آن، بسیار رواج دارد؛ مثلاً گفته می شود: فلانی سوره «قل هو الله احد» یا سوره «يسبح لله ما في السماوات» را خواند. بنابراین معنای حدیث این می شود که پیامبر(ص) نماز را با تکبیر و تلاوت سوره فاتحه الكتاب که اول آن بسم الله الرحمن الرحيم، است، آغاز می کرد.^{۷۹}

روایاتی که تاریخ صحیح، آنها را تکذیب می کند

۶. طبرانی از سعید بن جبیر از ابن عباس روایت کرده است:

رسول خدا(ص) وقتی بسم الله الرحمن الرحيم را می خواند، مشرکان او را مسخره می کردند و می گفتند: محمد خدای یمامه را یاد می کند. مسیلمه، رحمن نامیده می شد. وقتی این آیه نازل شد، رسول خدا(ص) دستور داد که بلند قرائت نشود.^{۷۸}

۷۸. ر. ك: حدیث ۱۲.

۷۹. التفسیر الكبير، ج ۱، ص ۲۰۲.

۸۰. المعجم الاوسط، ج ۵، ص ۸۹؛ الدرالمثور، ج ۱، ص ۲۹.

این روایت همان روایتی است که ابن داود از سعید بن جبیر نقل کرده است:

رسول خدا(ص) بسم الله الرحمن الرحيم را بلند قرائت می کرد و اهل مکه مسیلمه را «رحمن» می نامیدند. به این جهت گفتند: محمد مردم را به خدای پمامه دعوت می کند. از این رو، پیامبر(ص) دستور داد تا این آیه آهسته قرائت شود و هیچ گاه تا هنگام مرگ آن را بلند قرائت نکرد.^{۸۱}

اما تاریخ این روایت را تکذیب می کند؛ هر چند سند آن صحیح باشد و یا از مسلمات به شمار آید؛ زیرا ماجرای مسیلمه و ادعای او، در سال دهم هجری اتفاق افتاد و این ماجرا کجا و آغاز هجرت و بعثت کجا؟

طبری و دیگران روایت کرده اند که مسیلمه به همراه گروهی نزد رسول خدا رسید و اسلام آورد. اما وقتی به موطن خود بازگشت، ادعای نبوت کرد و گروهی از قومش از روی تعصب گرد او را گرفتند. نقل شده که یکی از پیروانش یک بار از او پرسید: کدام فرشته نزد تو می آید؟ مسیلمه گفت: رحمان. سائل پرسید: آیا در نور می آید یا در ظلمت؟ پاسخ داد: در ظلمت. سائل گفت: شهادت می دهی که تو کذاب هستی و محمد صادق؛ اما کذابی که از قبيله ربيعه باشد، نزد ما محبوب تر است از صادقی که از قبيله مُضر است.^{۸۲}

استاد «معرفت» می گوید:

عرب ها خدا را به نام «رحمان» می شناختند، از این رو در قرآن از قول آنها آمده است: «و قالوا لو شاء الرحمن ما عبدناهم»^{۸۳} یعنی گفتند اگر رحمن می خواست، ما آنها [بت ها] را عبادت نمی کردیم. «قالوا ما ائتم إلا بشر مثلنا و ما انزل الرحمن من شيء»^{۸۴} یعنی آنها گفتند: شما جز

۸۱. الدر المنثور، ج ۱، ص ۲۹.

۸۲. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۰۸.

۸۳. سوره زخرف، آیه ۲۰.

۸۴. سوره یس، آیه ۱۵.

بشری مثل ما نیستید و رحمن چیزی نازل نکرده است». خداوند در پیش از پنجاه مورد آنها را با چنین تعبیری مخاطب قرار داده است. بنابراین چگونه ممکن است که آنها این وصف را برای خدا نمی شناختند و گمان می بردند که این وصف از نام آن مرد یمامه ای به عاریت گرفته شده است؟

اما در این آیه که می فرماید: « وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا^{۸۵} »؛ و هنگامی که به کافران گفته شود: خداوند رحمان را سجده کنید، می گویند: و رحمن چیست؟ آیا چیزی را سجده کنیم که تو ما را به آن فرمان می دهی؟» انکار رحمن از سوی کافران، دلیل بر عدم شناخت آنها به او نیست، این سخن آنها که گفتند: «و ما الرحمن» مثل سخن فرعون است که برای استهزای دعوت موسی به پرستش خدای یگانه، می گفت: «و ما رب العالمین».

۷. ابن ابی شیبیه از ابن عباس روایت کرده است: «بلند قرائت کردن بسم الله الرحمن الرحیم، قرائت با دیه نشینان است». ^{۸۶}

شما را به خدا آیا علی (ع) که در تمام نمازهای خود بسم الله الرحمن الرحیم را بلند قرائت می کرد، از با دیه نشینان بود؟ آیا امام شافعی و استاد و شاگردانش که در نمازهای جهری، بسم الله الرحمن الرحیم را بلند قرائت می کردند، از با دیه نشینان بودند؟ «مالکم کیف تحکمون»، شما را چه شده است، چگونه حکم می کنید؟

۸. نظیر روایت قبلی را ابن ابی شیبیه از ابراهیم نخعی روایت کرده که گفته است:

«بلند قرائت کردن بسم الله الرحمن الرحیم از سوی امام جماعت، بدعت است»^{۸۷}

امامانی که ابراهیم نخعی فقه را از آنها آموخته است، بسمله را بلند قرائت می کردند. با این حساب، آیا او فقه را از بدعت گذاران آموخته است؟

۸۵. سوره فرقان، آیه ۶۰.

۸۶. مصنف ابن ابی شیبیه، ج ۱، ص ۴۴۱؛ الدر المنثور، ج ۱، ص ۲۹.

۸۷. مصنف ابن ابی شیبیه، ج ۱، ص ۴۴۸؛ الدر المنثور، ج ۱، ص ۲۹-۳۰.

تمام اینها نشان می دهد که نسبت دادن این سخنان به ائمه حدیث و فقه، دروغ و افتراست.

تا اینجا سخن در مورد دو مطلب به پایان رسید:

۱. بسمله جزء فاتحة الكتاب است؛
۲. بسمله باید در نمازهای جهری، بلند قرائت شود.

بسمله، جزء آغازین همه سوره ها

در بحث گذشته روشن شد که بسمله جزئی از فاتحة الكتاب است و اینکه بلند خواندن آن در نمازهای جهری، بدون شک واجب است. اینک بحث سوم باقی مانده و آن اینکه بسمله جزء آغازین همه سوره ها جز سوره توبه است. دلایل این مطلب عبارت است از:

۱. همه صحابه و سپس همه تابعان و نسل های پس از آنها، از زمانی که قرآن کریم تدوین شد تا به امروز، بر کتابت بسمله در آغاز همه سوره ها جز سوره توبه، اجماع عملی دارند. آنها این آیه را همانند سایر آیات بدون هیچ تفاوتی می نگاشتند. این در حالی است که همه آنها اتفاق نظر دارند که چیزی غیر از قرآن در قرآن نگاشته نشود مگر با خط و نشانه ای کاملاً متمایز از خط قرآن و این به دلیل حرص آنها بر عدم اختلاط قرآن با غیر قرآن بود، مگر نه اینکه مشاهده می کنیم آنها برای رعایت احتیاط و حفظ و نگهداری قرآن، اسامی سوره ها و نشانه های اجزا، احزاب، ارباع، اخماس و اعشار قرآن را از متن قرآن متمایز ساخته و آنها را خارج از سوره های قرآنی قرار داده اند تا جدا بودن آنها از قرآن معلوم و مشخص باشد. شاید بتوان گفت که هیچ گاه تمام امت اسلامی بر مسئله ای مثل این مسئله اتفاق نکرده باشند و همین اتفاق نظر، به تنهایی دلیل بر این است که «بسم الله الرحمن الرحيم» آیه ای مستقل در آغاز همه سوره هاست که سلف و خلف در آغاز هر سوره آن را نوشته اند.^{۸۸}

۸۸. مسائل فقهیه، ص ۲۸.

۲. حاکم از ابن عباس روایت کرده است:

وقتی جبرئیل نزد پیامبر(ص) می آمد و بسم الله الرحمن الرحيم را قرائت می کرد، پیامبر(ص) می فهمید که سوره ای نازل شده است.
این حدیث، صحیح است و مسلم و بخاری آن را روایت نکرده اند. ۸۹

۳. حاکم از ابن عباس روایت کرده است:

پیامبر(ص) نمی دانست که چه وقت سوره خاتمه یافته تا اینکه بسم الله الرحمن الرحيم نازل می شد.
حاکم گفته که این حدیث طبق نظر مسلم و بخاری، صحیح است؛ هر چند خود آن را روایت نکرده اند. ذهبی نیز این حدیث را در تلخیص المستدرک، صحیح دانسته است. ۹۰

۴. حاکم از ابن عباس نقل کرده است:

مسلمانان نمی دانستند که سوره چه وقت تمام می شود تا این که بسم الله الرحمن الرحيم نازل می شد و هر گاه نازل می شد، می فهمیدند که سوره، تمام شده است. ۹۱

۵. ابن ضریس از ابن عباس نقل کرده است: «بسم الله الرحمن الرحيم، آیه است». ۹۲

۶. واحدی از عبدالله بن عمر نقل کرده است: «بسم الله الرحمن الرحيم در هر سوره نازل شد». ۹۳

۷. طبرانی در المعجم الاوسط و دارقطنی و بیهقی از نافع روایت کرده اند:

عبدالله بن عمر نماز را با بسم الله الرحمن الرحيم در فاتحة الكتاب و سوره بعد از آن آغاز می کرد و یاد آور می شد که این را از رسول خدا(ص) شنیده است. ۹۴

۸۹. المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۲۳۱.

۹۰. همان.

۹۱. همان، ص ۲۳۲.

۹۲. الدر المنثور، ج ۱، ص ۲۰.

۹۳. همان.

۹۴. همان، ص ۲۲.